

علم کلام عهد مدار بحث از وجود حق تعالی و صفات جمالیه و جلالیه و نیز بحث از اصول دین همچون نبوت و معاد است. اثبات پاورها و پاسخ گویی به شبهات در حوزه عقاید همچون امامت، عصمت، غیبت و رجعت نیز از وظایف متکلمان است. متکلمان، خواه مسلمان و یا مسیحی و یهودی، پس از مباحث توحیدیه مسئله نبوت پرداخته اند. آنان باز سنگین پاسداری از مرزهای عقیده‌ی را بر دوش خود گذاشته‌اند، و از همین رو وظیفه خود می‌دانند با توجه به اشکالات و شبهات روز، از مفاهیم دینی دفاع و آن‌ها را از آسیب‌های احتمالی حفظ کنند. متکلمان مسلمان در اثبات پدیده‌ی بعثت و نبوت، اهتمام جدی ورزیده و با توجه به برخی اشکالات از جمله شبهه قدیمی پراهمه و یا شبهه بی‌نیازی پسر امروزی از پیامبر، دلائلی را بر ضرورت نبوت و یسافایده‌های آن اقامه کرده‌اند. در این مقاله به آرای متکلمان پرداخته، سپس نقد و بررسی اجمالی آن‌ها می‌گردد.

شیخ مفید

محمد بن نعمان مشهور چه شیخ مفید (در گذشته به سال ۴۱۲) را می‌توان نخستین دانشمند شعیی دانست که در علم فقه، حدیث و کلام کتابهای مستقل و ماندگاری از خود بر جای گذاشت.

وی در بیان هدف از بعثت می‌گوید: «بنا به حکمت الهی، بعثت پیامبران الهی ضروری است و پیامبر فلسفی است که بدون واسطه انسان‌ها از خداوند خبر می‌دهد. سپس در بیان ارتباط حکمت الهی و بعثت انبیا می‌گوید: «بنا به قاعده لطف که عبارت است از حقیقتی که مکلف را به اطاعت خداوند نزدیک و از گناهان دور می‌سازد، بر خداوند حکیم واجب است که پیامبران را مبعوث سازد.»

وی در پاسخ به این پرسش که چرا لطف بر خداوند واجب است، می‌گوید: «چون غرض از تکلیف بندگی است و آن متوقف بر لطف است. پس این لطف بر خداوند واجب است.» (۱) در جای دیگری می‌گوید: «بنا بر این که امر اتقانی فطر درانه»

۱- عقل هر صفی قیاس خود نیازمند به سمع و شیندن است (روحی)

۲- عقل هر کیفیت استدلال، نیازمند سمع و وحی است

۳- جامعه بشری از ابتدای تکلیف نیاز به فرستادگی از سوی خداوند داشته است.

اهل حدیث نیز در این خصوص با اطمینان همراهند و در مقابل معتزله، خوارج و زیدیه معتقدند که عقل، بی‌نیاز از وحی و سمع، به وظیفه خود عمل می‌کند و هیچ‌گاه منتظر کمک و دستور کسی نیست (۲).

اسید مرتضی

سید مرتضی، ملقب به علم الهدی (در گذشته به سال ۴۲۶) می‌گوید: «هر گاه خداوند بداند که برخی از افعال و رفتارها برای بشر سودمند و برخی دیگر برای دین او زیانبار است و عقل نیز به آن رفتارها راه نشانده باشد، بر او واجب است که پیامبران را برای شناساندن این افعال مصلحت‌آمیز و مفید مقرر فرماید» (۳).

شیخ طوسی

شیخ طوسی (۴۵۶ م) دو راه را در مسئله نبوت طی می‌کند: ابتدا در مقابل منکران نبوت و قواید بعثت پیامبران، می‌گوید ما دو راه در رد منکران نبوت داریم:

۱- دلیل پسینگی ما می‌دانیم مسئله نبوت در خارج اتفاق افتاده و اگر نبوت امر پسندیدنی



نبوت در خارج واقع نمی‌شود. چون خداوند کار زشت و ناپسند مرتکب نمی‌شود.

۲- راه پیشینی: در این راه در مقابل هر یک از منکران نبوت می‌بایست دلائل جداگانه‌ای اقامه کرد.

در مقابل پراهمه و برای اثبات قواید نبوت باید گفت برخی از افعال بندگان را به واجبات عقلی و ذهنی می‌سازد و یا آن‌ها را از زشتی‌هایی که عقل آن‌ها را تشخیص می‌دهد دور می‌سازد و برخی کردارها مردم را به زشتی‌ها نزدیک و از بایسته‌های عقلی دور می‌کند.

دسته اول از کردارها همان‌ها هستند که از آن‌ها به «لطف» تعبیر می‌کنیم و دسته دوم زشتی‌هایی هستند که بر خداوند واجب است که موانع لطف را بر طرف کرده، راه بندگی را برایش گشاده‌وار سازد. چنین کاری ممکن نیست مگر از راه بعثت پیامبران؛ چرا که ما این افعال را از راه استدلال و با ضرورت عقل تشخیص می‌دهیم و چنانچه خداوند تمام بندگان را بر این افعال آگاه می‌سازد، باعث تکلیف و اختیار بندگان می‌گردد. اگر خداوند تنها راه شناخت رفتارهای نزدیک کننده و یا دور کننده بندگان از حق تعالی، بعثت رسولان است. در این استدلال که حسن بعثت را ثابت می‌کند، وجوب آن نیز اثبات می‌شود زیرا حسن بعثت با وجوب آن ملازمه دارد.

حتی اگر پیامبران تنها برای تأکید اوامر عقلی همچون اطاعت خداوند و زشتی ظلم و زبانی عدالت مبعوث می‌شدند باز هم امر پسندیده‌ای بود، چرا که وجود چنین پیامبرانی بی‌بندگان را

به خداوند نزدیک تر می‌کند و این همان هدف از بعثت است. این همان لطف است (۴).

ابوالصلاح حلبی (در گذشته به سال ۴۲۲) رویکردی لطف‌آمیز، اما ریاست‌مدارانه دارد. وی می‌گوید: «در حکمت خداوند بندگانی که ممکن است مرتکب گناه و یا کارهای زشت شوند، نیازمند رئیس هستند چرا که وجود رئیس، لطفی از جانب حق است، چه در انجام کارهای واجب و قرب به حق تعالی و چه در ترک کارهای زشت. در دوری از آن‌ها همه عقلا وجود چنین رئیس ميسوطالبد و برخوردار از قدرت کافی و دارای تدبیر را ضروری می‌دانند. پیامبر، بندگان را به صلاح نزدیک و از فساد دور می‌سازد. اگر پیامبران نبودند، رویکرد مردم به زشتی‌ها و رویگردانی آن‌ها از خوبی‌ها بیشتر بود. بنابراین بعثت چنین پیامبران لطف‌آمیزی بر خداوند واجب است.»

محقق حلبی، سرآمد دانشمندان شیعه (در گذشته به سال ۶۷۶) نبوت را دارای مصلحت و خالی از مفسده می‌داند و در نتیجه نه‌بوت از دیدگاه او، امری پسندیده است. وی در بطلان مکتب پراهمه می‌گوید: «طایفه‌ای از اهل هند (پراهمه) حسن بعثت را منکر، بلکه آن را قبیح دانسته و گفته‌اند: آن چه را پیامبر می‌آورد از دو حال خارج نیست یا عقل، خوبی آن را رد می‌کند که در این صورت امر پیامبر لغو است و اگر عقل، زشتی آن را رد می‌کند، در این صورت پیروی از امر پیامبر ممکن

نیست، مانند آن که ظلم را جایز بشمرد.

در جواب ایشان باید گفت چرا پیامبر نتواند تفصیل دهنده احکام عقلی باشد؟ ما بلاعقل به طور کلی حکم می‌کنیم که هر آن چه موجب لطف در واجبات باشد، آن نیز واجب است. اما عقل در نمی‌یابد که نماز یا روزه مشتمل بر آن لطف است، بلکه به واسطه شریعت پیامبر به این نکته می‌رسیم. پس قواید نبوت منحصر در دو قسمی که پراهمه گفته‌اند نیست. بنابراین بعثت شری نیکو است چون پیامبر بندگان را به سمت مصالح دینی راهنمون می‌کند و چه بسا گاهی نیز آنان را به مصالح دنیوی آگاه می‌سازد» (۵).

چنان‌که پدیداست محقق حلی خلنگه و هدف از بعثت پیامبران (ع) را آشنایی با مصالح اخروی می‌داند و راه‌اندازی در مصالح دنیوی را موردی و فوق برنامه می‌خواند.

خواججه نصیر الدین طوسی

محقق طوسی، فیلسوف متکلم و ریاضی‌دانی قرن هفتم، برای نبوت پاره قایده می‌دهد. حارث و مدعی است مجموع این قواید نبوت را از مصادیق لطف، ساخته، بعثت تقریباً را بر خداوند واجب می‌کند. وی این قواید را این گونه می‌شمرد:

۱- تأیید و کمک عقل در احکام عقلی

۲- وضع قوانینی که عقل در باره آن‌ها حکمی ندارد

۳- بر طرف ساختن ترس مردم از تصرف در اموال

۴- بیان حسن و قبح افعال

۵- معرفی اشیا سودمند و زیان‌بار

۶- حفظ نوع انسانی

۷- تکامل استعداد های مختلف، با صلاحیت‌های گوناگون

۸- آشکار ساختن صنعت‌های پنهان

۹- آموزش اخلاق به مردم

۱۰- آموزش سیاست‌های کلی

۱۱- خبر دادن از پادشاه و عقاب اخروی (۶)

علامه حلی

علامه حلی، جلدی از فنون عقلی و نقلی (در گذشته به سال ۷۲۶) در توضیح کلام و مزام خواججه نصیر الدین طوسی می‌افزاید:

لمور زیر را نیز می‌توان از قواید بعثت شمرد:

۱- کمک به عقل در احکامی که آن‌ها را رد می‌کند، همچون یگانگی آفریده‌ها.

۲- ملهم احکامی که عقل نسبت به آن‌ها ساکت است، همچون قوانین و مسائل اصولی.

۳- بندگان به دلیل بنده بودنشان از تصرف در اموال و املاک در هر سلسله‌ای چون این اموال ملک خداوند می‌دانند و تصرف در این اموال بدون اذن خداوند امری ناپسند است. پیامبران مرز و حدود تصرفات را بیان می‌کنند، از سوی دیگر نیز مردم ترس از عدم تصرف دارند زیرا از نظر عقل ممکن است مالک از بندگان خود کاری را بخواهد و تشخیص این کار جز با بعثت میسر نیست.

۴- برخی از کارها پسندیده و برخی دیگر ناپسند است. عقل خوبی یا بدی برخی را درک می‌کند و برخی دیگر را نه. پیامبران این بخش از رفتارها را به ما می‌شناسانند.

۵- برخی امتیاز به حال ما سودمندند همچون داروها و بیماری‌ها از غلظت و برخی زیان‌بار، همچون بسیاری از سموم و عف و خنک و خشک و عقل قادر به درک همه خواص و آثار نیست.

۶- بعثت این قایده بزرگ به دست می‌آید. افعال مصلحت‌آمیز است و معاش و نظام او به امور جاری وابسته است و لوله تهایی از

عده‌ها آن‌ها را برمی‌آید، بلکه این کار به کمک هم‌عوان شدنی است. گرچه کسی از خصلت‌های بشری است. بنابراین وجود یک قانونگذار لازم است تا حدود اختیار انسان‌ها را تعیین کند.

این قانون‌گذار نمی‌تواند از سخن بشو باشد زیرا اگر هیچ پلا مرجع است. بنابراین می‌بایست از

مردم از جهت قوت امر اک کمالات و تحصیل معارف و فضایل اخلاقی متفاوت هستند بر خی توانستند و از دیگران بی نیاز، و برخی به کلی از این امور ناتوانند، و برخی متوسط الحال، پیامبران ناقصان را به سر حد کمال می رسانند

نوع انسانی یزای مانند گازی و حفظ خود نیازمند نیاز و وسایلی همچون لباس و مسکن است و عقل بشری از این امور ناتوان است پیامبر این مسائل را به بشر می آموزد

حزب اخلاق و تفاوت این مراتب انکارناشنی است و وجود یک معلم اخلاق و سیاسته برای تدبیر امور منزل و شهر ضروری است

قیام به دلیل انگی شان از پادشاه و عقب رفتارهای انسانی، می توانند مردم را نیز آگاه سازند

این ده فایده برای مکلفان، لطف است و لطف بر خداوند واجب است (۷)

فیض کاشانی
ملا محسن فیض کاشانی، محدث متکلم فیلسوف و عارف نامدار (در گذشته به سال ۱۰۹۱) بیانی متفاوت از دیگران دارد

مسنوسوی استدلال فیض، آخرت و سعادت اخروی است به عقیده وی دنیا چنان اهمیتی ندارد که پیامبران به آن بپردازند و نیروی خود را صرف آن کنند بلکه هدف اصلی و نهایی آنان اصلاح آخرت انسان هاست

غرض اصلی از پشت پیامبران و جعل قوانین آسمانی، همانا بهره گیری از علم غیب برای عالم حس و شهادت و سوق دادن مردم به سمت خداوند است یا امن پیامبران می یابست شهود در خدمت عقل قرار گیرد و دنیا به آخرت رجوع کند پیامبران مردم را به این امور ترغیب و از افتد آن باز می دارند تا مردم از عذاب و وبال آخرت و سوء عاقبت نجات یافته، به سعادت نهایی به حسب استعدادات خود منتقل شوند

و گرنه انسان می تواند به گونه ای نظام دنیا را هر چند با تقلب و چسب اول اعراض کند آن چنان که برخی از مردم قوانین را برای یک شهرک و یا یک مجتمع مسکونی وضع می کنند اما سیاست و تدبیر دنیا برای پیامبران یک سیاست چشمی و جرحه دوم به شمار می آید هر چند هر یک از سیاست دنیوی در دربارنده یک حکمت اخروی است اگر انسان به هر یک از احکام شرعی دنیوی پای دقت نامل کند، در خواهد یافت که آن ها در تقویت جنبه برتر، یعنی سعادت اخروی انسان مؤثر است (۸)

عبدالرزاق لاهیجی
عبدلرزاق لاهیجی، مشهور به فیاض، حکیم و فیلسوف قرن پانزدهم بر مسئله نبوت یا مشرب کلامی، فلسفی و عرفانی استدلال کرده است

رضایت خداوند به او برسد و یا به او نزدیک شود پس علم و حکمت الهی انضمامی کند که شخصی از بندگان را برای سفارت و خلافت میان بندگان بفرستد این سفیران از دو جا به حقی و خلقی برخوردارند با جنبه حقی از خداوند دریافت می کنند و با جنبه خلقی آن را به خلق می رسانند

و ایشان را یا مصالح و مفاسد خود و آن چه موجب بقا و فای آن هاست آشنایی نمایند این برهان، از احادیث اهل بیت استفاده می شود (۱۰)

حاج ملاهادی
حاج ملاهادی، جزواری، حکیم و شارح بزرگ حکمت متعالیه (در گذشته به سال ۱۲۸۹ هـ ق) برای اثبات ضرورت بعثت به دلایل کلامی متوسل شده می گوید

«یکی از انواع لطفه ایجاد نظام اصلاح است یعنی بر خداوند متعال واجب است که هر شیء را به شایسته ترین وضعیت ممکن آن برساند مگر آن که با مصلحت نظام کل عالم در تعارض باشد

رسال پیامبران نیز مردم را به سوی کمال پیش می برد عقل نیز در دریافت همه مصالح ثانوی است به عنوان مثال، عقل استحباب روزه عرفه و یا حرمت روزه عید را برک نمی کند (۱۱)

علامه میرزا ابوالحسن
علامه میرزا ابوالحسن شمرانی، مفسر، محدث و حکیم توانمند معاصر (در گذشته به سال ۱۲۴۶) دیدگاهی برگرفته از قرآن و تاریخ دارد به گفته وی

هر طبیعت انسانی هیچ چیز به اندازه استقلال و آزادی فردی ارزش ندارد چنان که اگر کسی را در جایی محدود به زندان کنند و همه بهر مای دنیا را برای او فراهم کنند آسوده نیست و آزادی را بیشتر دوست دارد فیه کتبی آوردند مشتعل بر اصول عقاید که به معنویات حقیقت داده اند و قیمت اقراه بشر را بالا بردند

روح آن ها را باقی دانسته و آزار و اذیت مردم را گناه شمرده اند

انها میزانی آوردند که حدود و حقوق آن ها را مشخص کرده است

احیانا به سمت آن حرکت می کند اما مصالحی که سعادت آخرت را تأمین می کند می یابند درجه اهمیت آن تبیین شود تا انسان به سوی آن حرکت کند و این پیامبر است که مصالح و مفاسد را به نحو عالی تبیین کرده به انسان می فهماند که باید مصالح اجتماعی را که به ظاهر در تعارض با مصالح فردی است مقدم دارد چون مصالح فردی ممکن است تنها سعادت این دنیا را تأمین کند اما سعادت اخروی با تقدم مصالح اجتماعی تأمین می شود مسئله معاد و غیب نیز افراد را در ترجیح مصالح اجتماعی بر فردی بر می انگیزد (۱۲)

مهندس مهدی بازرگان
مرحوم مهندس مهدی بازرگان راه خود را از متکلمان رسمی جدا کرده و مدعی است که ما نمی توانیم با استدلال عقلی، خداوند را وادار به ارسال پیامبر کنیم؛ بلکه می یابست از راه تجربه انسانی به سراغ پیامبر برویم و یا انگیزه ها و انگیزندهای او آتش ناشیوم اگر انگیزه ما را خدایی دیدیم دعوت او را بحق و پیغمبری او را تأیید می کنیم

بهترین راه عملی بشری و در عین حال طلسمی مطمئن برای کشف انگریز و انگیزنده هر شخصی عالم عقل، کشف زمان و درک

علاقه نهایی اوست و اگر تبلیغی کرده است چه نتیجه ای از تبلیغ می گرفته و در جهت منافع چه کسی می رفته برای شناختن انگیزنده یا مبعوث کننده پیغمبر نیز اهم از اینک در آخرین تجربه تحلیل به خواستهای خصوصی او برسیم و با یک نوع خواه جوشی و یکجای طبیعتی پیامبر و یا به خارج از شخص او هدایت شویم بهترین وسیله قرآن است سپس می افزاید

«تفسیر انسان مدارانه از دین و نبوت و نبی بسیار رایج است قرآن که حکایت انگیزهای نبی است خود را تنها خدنامه معرفی کرده، نه آن که چون به درد دنیا می خورد و نیازمندی های بشر را برطرف می کند برای قرآن و خود پیامبر، مسئله نبوت و اطاعت از نبی موضوعیت و اصالت ندارد شخصیت و رسالت آن ها به خاطر چیز دیگر و فرع دعوت به سوی خدا است پیغمبر خود را کنار می کشد و نمی خواهد به او رورده شود (دین) به او تواضع و کرنش کنند او می گوید به سوی خدا بروید

آخرت نیز هدف رسالت نیست بلکه آخرت خیر و تقوایی نکان دهنده است که پندار کننده انسان و در صورت قبول، واژگون کننده مقصد و مسیر او می شود اما مقدمه است و تعیین کننده (۱۴)

شهید مطهری
شهید مطهری، وحی و رسالت را برای هدفمند ساختن فعالیت های تدبیری انسان می بیند می داند وی نخست فعالیت های انسانی را تقسیم و سپس فرضیه خود را طرح می کند

«انسان دو گونه فعالیت دارد ۱- فعالیت ابتدائی که از طبیعت و غرائز بر می خیزد و در پی لذت است ۲- فعالیت تدبیری که از عقل و شعور بر می خیزد و در پی مصلحت و تحصیل رضایت است فعالیت تدبیری اهداف دور دست دارد و از این رو نیازمند طرح و برنامه است

«ایا عقل می تواند مصالح فردی را برنامهریزی کند؟ سعادت مفهومی پیام امیز است مانند شقاوت در سعادت اجتماعی، انسان باید سعادت خود را در شاهرهای جست و جو کند که جامعه را به سعادت و کمال برساند باید برای تحقق این هدف حیات ابدی و جاودگی روح و تجربه ندانستن عقل نسبت به جهان آخرت را در نظر بگیریم لذا نیاز به مکتب و اینوسوزی خود را

هان چه بشر امروز و به هر طریق اولی بشر فردا را وحدت و جهت می بخشند و از همان مشترک می دهد و ملاک خیر و شر و باید و نباید برایش می گردد یک فلسفه فتنه خلی انگاه افه آرمان خیزی مجیز به منطقی و به عبارت دیگر یک اینوسوزی جامع و کلیل است این همان ضرورت وحی است در بیانی دیگر، تقویت ایمان را اخلاصگاه دیگر بعثت تقیبه می شمارد و در توضیح این فایده کلان و اصولی چنین شرح می دهد

«حتی اگر عقل در دسترس مصالح و مفاسد مشکلی نداشته باشد اما صرف دانستن موجب سعادت نمی شود اگر ایمان به دانسته ها ضمیمه نشود، در این صورت هیچ قوه مجریه و ضمانت اجرایی بر کار نخواهد بود و نبوت کار ایمان را حل می کند یعنی در مرحله دانستن ممکن است انسان مصلحت خود را بر مصلحت جامعه و دیگران مقدم بخشد اما قوه ایمان که از جنبه وحی در او تقویت می شود می تواند این مصلحت را مهار کند عقل بیشتر از نظر عملی همیشه انسان را به مصلحت و مصلحت خودش هدایت می کند، ملامت که ایمان به یک اصول در کار نباشد عقل آدم جز به منافع شخصی حکم نمی کند (۱۵)

دانشمندان مسیحی
دیدگاه متکلمان مسلمان و متکلمان مسیحی در موضوع نبوت تفاوت های بنیادین دارد متکلمان و کیشیان مسیحی پیامبران را وسیله و در واقع بهانه ای برای بخشش گناهان نوع بشر و شفا و شفاعت و این گونه امور مولوایی می دانند

هلیوم بسترس
هلیوم بسترس، کشیش و متکلم مسیحی، در شرح این داور مشهور و دینی مسیحیان جهان می گوید «یسوی (مسیح) برای آموزش گناهان پندگاران ظهور کرد او آمد تا بگوید محبت خداوند بزرگتر از گناهان آن ها است و گناهکاران و در ماندگن از ثروتمندان و قدرتمندان به خداوند نزدیک ترند او آمد تا پیامبران را شفا بخشد و مردگان را زنده کند تا بفهماند که اراده خدا قوی تر از بیماری و مرگ است خداوند شدت محبتش به پندگاران را در مرگ مسیح ظاهر ساخت او جان خود را داد تا پندگاران را از عذاب الهی نجات دهد (۱۶)

از دیدگاه متکلمان مسیحی، بزرگترین معجزه مسیح، همدردی با دردها و رنج های بشر است و مسیح فیلسوف نیست تا مانند آنان به گفتار و دعوت زبانی اکتفا کند بلکه سنگینی و یار را از دوش مردم بر می دارد او نمی شنید تا مردم به او رو کنند بلکه خود به سمت آنان می رود او به آنان می فهماند که هر آن چه می کنید بر من می کنید و من باید بار آن را به دوش کشم (۱۷)

اما از نظر گاه متکلمان مسلمان، پیامبران هیچ مسئولیتی در برابر رفتار است خود ندارند و لا تأثیر و اثر و وزیر آخری (۱۸)

استیجش و آرزوی دلایل کلامی
چنان که معلوم است برخی از دلایل متکلمان متأخر برگرفته از آرای گذشتگان و برخی دیگر ابتکاری و جدید محسوب می شود تأمل در این دلایل، اقتضات متکلمان را از پیامبر و شریعت او نشان می دهد برای نمونه

«مشخ مفید از پیامبر می خواهد که چگونگی استدلال، تفکر، تعقل و تشکیل قیاس را به بشر بیاموزد

«سید مرتضی پیامبر را معلم اخلاق و مربی انسان در رفتارهای سوهند و زیان بار می خواند



نبوت می خوانند.
 - فیض کاشانی ششان پیامبران را بالاتر از آن می داند که برای اصلاح امر دنیا آمده باشند؛ بلکه رسالت آنان تنها اصلاح آخرت است.
 - قاضی سعید قمی بشر را نیازمند موجودی متوسط بین حق و خلاق می داند که از حق بگیرد و به خلق بپردازد.
 - علامه شعرانی پیامبران را آزادکننده انسان از سلطه استبداد می داند.

- نزد مهندس یازگان، پیامبر نه مصلح دنیا است و نه مأمور آخرت؛ بلکه او کسی است که مردم را به خدا دعوت می کند و اگر به دنیا می پردازد، از باب فوق بر نامه است و اگر مسئله آخرت را پیش می کشد تنها برای ضمانت اجرایی دعوت مردم به سوی حق تعالی است.
 بنابراین خستگاه و انتظارات متکلمان از نبوت بسیار متنوع و گوناگون است. برخی پیامبران را برای دنیا و آخرت می خواهند و برخی فقط برای دنیا و برخی فقط برای آخرت و برخی نه برای دنیا و نه برای آخرت هر چند بیشتر متکلمان از قاعده لطف سود چسته و آن را مرکز نقل استدلال خود قرار داده اند؛ اما برخی از ایشان همچون شیخ مفید، سعید مرتضی، شیخ طوسی، ابوالصلاح حلبی، فیض کاشانی، ملاهادی سبزواری و شهید صدر، با استناد از عقل، مصادق لطف را تعیین کرده اند. برخی نیز همچون خواجه نصیرالدین طوسی و علامه حلی به رفتار و عملکرد پیامبران تکیه کرده و مصادیق لطف را از میان اعمال و کار کرده آنان برگزیده اند. درست است که برخی از دلایل متکلمان ضرورت بعثت را ثابت می کند؛ اما باید توجه داشت که عملکرد پیامبران لزوماً با آن چه متکلمان دلیل انگاشته اند یکسان نیست. دست کم بسیاری از دغدغه ها و آمال پیامبران، به کلمات و ذهن متکلمان راه نیافته است. در بسیاری از موارد، متکلمان، فوق بر نامه را بر نامه انگاشته و پیامبران را مهندسان صنایع و طبیبان داروساز معرفی کرده اند. گویا برخی از آنان میان پیامبری که آمده است تا راه های آسمان، راه روی مردم بگشاید و پیامبری که مأموریت دارد که به انسان ها آشپزی یا دارو سازی یا مانند این گونه امور را بیاموزد، فاصله ای نمی بیند!

دین شناسان می بایست تاریخ پیامبران (ع) را از این زاویه نیز بنگرند و بر نامه را از فوق بر نامه باز شناسند تا از این رهگن هم ضرورت بعثت بجای خود را بیابند و هم گوهر بعثت و مستوسوی کلی دین آشکار تر شود.

بی تردید برخی از آن چه در کلمات متکلمان همچون معرفی دواهای سودمند و زهر های زیان بار و تعلیم صنایع در شمار اهداف و فواید بعثت قرار گرفته اند، به اقتضای نیاز های مقطعی و یا موردی مردم بوده و بجایی در فهرست مقاصد اصلی نبوت و بعثت تکیه اندازند.

- پایان نوشت ها
- 1- شیخ سعید الاولاد من گفتالات، چاپ دانشگاه تهران، ص ۲۱.
 - 2- همان، ص ۸.
 - 3- مبدع مرتضی گر سال، ج ۱، ص ۱۹.
 - 4- شیخ طوسی، الاکتفا، ص ۱۵۲.
 - 5- ابوالصلاح حلبی، تشریح سوره، ص ۱۲۲.
 - 6- ک. خواجه نصیر طوسی، تفسیر بلاغی، ص ۳۴۲.
 - 7- علامه حلی، کتبه علمیه، شرح تفسیر بلاغی، ص ۳۲۷.
 - 8- فیض کاشانی، تطبیقین، ج ۳، ص ۳۲۸-۳۲۹.
 - 9- مبدع مرتضی، گوهر مراد، ص ۳۵۲.
 - 10- قاضی سعید قمی، شرح توحید معلوم، ج ۱، ص ۵۱۲.
 - 11- ملاهادی سبزواری، تفسیر المکرم، ص ۳۵۵.
 - 12- مبدع مرتضی، شرحی، ص ۱۰۰.
 - 13- شهید سعید صدر، مبدع مرتضی، ص ۱۰۰.
 - 14- مهندس سعید قمی، یازگان، مجموعه آثار، ج ۲، ص ۵۰۲.
 - 15- مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲، ص ۳۸۵.
 - 16- سبزواری، تفسیر، الامت مسلمی و الاسلام، ص ۱۹۰.
 - 17- سبزواری، مبدع مرتضی، فیض الاصلی فی ضرورت نبوت، طبع المشرق، ص ۳۲۸.
 - 18- سبزواری، مبدع مرتضی، ص ۳۲۱.

فلسفه

فلسفه از فیلسوفان

فلسفه از فیلسوفان

از مهم ترین آن ویژگی ها این است که فارابی مسبوق به نهضت ترجمه است؛ یعنی با ترجمه آثار افلاطون و ارسطو و افلوپین (اگر چه اتولوجی ای افلوپین را با نام ارسطو می شناسند) آشناست. دیگر این که آثار را به خوبی فهمیده، یعنی او انسانی با ذکاوت فلسفی است. این ها را آن قدر خوب فهمیده که صد سال بعد ابن سینا می گوید من مابعدالطبیعه را بارها خواندم و بعضی از عبارات را از بر شدم ولی نفهمیدم، تا این که شرح فارابی را بر ما بعدالطبیعه ارسطو خواندم و فهمیدم. سومین ویژگی فارابی این است که بعد از یک دوره تاریخی ای می آید که در آن دوره، اشغال «ابن راوندی» و «عزکریای رازی» پیدا می شوند. ابن راوندی، یک معتزلی بوده و از اعتزال برمی گردد و شروع می کند به نقد اعتزال و بعد از مدتی ظاهراً گرایش به شیعه پیدا می کند و

بوده است و چه اتفاقی افتاده که به آن فلسفه اسلامی گفته اند؟ البته بسیاری اتفاق نظر دارند که موسس فلسفه اسلامی کسی نیست جز فارابی؛ هر چند «کندی»، نزدیک هفتاد سال قبل از فارابی از دنیا رفته و اولین فیلسوف مسلمان نام گرفته است. کندی فیلسوفی بوده که دینش اسلام بوده است. او متأخر از نهضت ترجمه است؛ یعنی با آثاری که از یونان باستان ترجمه شده؛ مثل آثار افلاطون و ارسطو آشناست. اما کندی موسس فلسفه اسلامی نیست و فارابی معنون به این عنوان است. پس معلوم می شود تفکر فارابی ویژگی خاصی دارد که وی را مستحق عنوان پایه گذار فلسفه اسلامی کرده است.

فارابی چند ویژگی دارد که مجموع آن ها را در دیگر فلاسفه مسلمان مثل کندی و حتی ابن سینا نمی بینیم. یکی

◀ غلامرضا ذکیانی
 ویژگی اصلی ای که باعث شده فارابی را مبدع فلسفه اسلامی بدانند، کوشش او در جهت تبیین وحی و نبوت، با استفاده از تفکر فلسفی ارسطو و افلوپین و هیات پظلمیوسی است. در این مقاله به بررسی چگونگی جمع تفکرات ارسطو، افلوپین و هیات پظلمیوسی توسط فارابی و استفاده او از این مطلب در جهت تبیین وحی نبوی، پرداخته شده است.